

فضائل حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

<?xml encoding="UTF-8?">



فضائل حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطيتناک الکوثر فصل لربک و انحر ان شائک هو الابر
«ای رسول! ما به تو کوثر عطا کردیم، پس تو هم (به شکرانه آن نعم) برای خدا نماز بگزار و (شتر) قربانی کن،
بدرستی که دشمن بد گوی تو دم بریده و فاقد نسل است» .

شان نزول

به نوشته ابن اسحاق - متوفای 151 ه.ق - قاسم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سن رشد رسید، به گونه‌ای که می‌توانست بر اسب و شتران راهوار سواره کاری کند. وی در نوجوانی درگذشت و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فراغ فرزندش مبتلاء گردید. «عاص بن وائل» که یکی از دشمنان سر سخت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود گفت: «محمد بخاطر از دست دادن پسرش بلا عقب و بدون نسل گردید.» [باید دانست که در آن روز پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای دخترانی بود، لیکن بر اساس سنت جاهلی، اعراب فرزند دختر را به حساب نمی‌آوردند و فرزند دخترانشان را از نسل خود نمی‌دانستند، از این رو در نگاه آنان پیامبر (ص) فاقد نسل بود.] در پاسخ به یاهو گویبهای مشرکان خداوند سوره کوثر را بر رسول خدا (ص) نازل فرمود. (1)
محل نزول سوره کوثر

احتمالا در میانه منی و در مکانی است که امروزه آن را «مسجد کوثر» می‌خوانند و حجاج به قصد تبرک به زیارت آن می‌روند. (2)

مفسران کوثر را به نهر کوثر در بهشت، خیر کثیر در دنیا و آخرت، کثرت و زیادی پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شفاعت و ... تفسیر کرده‌اند. هر چند همه این معانی درست است و با هم منافاتی ندارد، زیرا قرآن دارای معانی مختلفی است اما، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کوثر زیادتی نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از فرزندان فاطمه (علیه السلام) است تا قیامت بگونه‌ای که به شمار نیایند» (3) و در عوض این دشمن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که دم بریده و فاقد نسل است. و این خبری است که خداوند از نسل آیندگان دشمن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان فرمود.

باید نگریست که چگونه فرزندان پیامبر (ص) از زهرا (ع) تنها دختر بازمانده از او زیاد گشته اند بگونه‌ای که تعداد

سادات یعنی کسانی که امروز در جهان اسلام نسبشان به پیامبر (ص) می‌رسد بس زیاده و افزون است و آیا از هیچکس بدین گونه نسلی انبوه برجای مانده است؟ آنهم نسلی که هر لحظه به لطف خداوندی بیشتر می‌شوند! و این در حالی است که به گواهی تمامی مورخان هیچ یک از فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و فرزندان آنها زنده نماندند و از آنان نسلی پا نگرفت بلکه تنها فاطمه (ع) بود که پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مدتی هر چند کوتاه زیست و از پی او فرزنداناش بازماندگان و یادگاران رسول خدا (ص) زیاد شدند و این است نسل کثیری که خداوند به وجود برکت فاطمه (ع) به رسول خدا (ص) عنایت فرمود.

سخن فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت فخر رازی - متوفای 606- در تفسیرش می‌نویسد: «کوثر به معنای اولاد پیامبر (ص) است چه این سوره در پاسخ کسانی نازل شد که نداشتن فرزند را بر آن حضرت عیب گرفتند معنای کوثر این است که خداوند به پیامبر (ص) نسلی عطا می‌کند که در طول زمان باقی خواهد ماند بنگر چه بسیار از اهل بیت که [مظلومانه] کشته شدند باز هم جهان از آنان پر است ولی کسی از بنی امیه باقی نمانده پس بنگر چه اندیشوران و علمای بزرگی چون باقر و صادق و کاظم و رضا علیه السلام و نفس زکیه و امثال آن از نسل پیامبر (ص) برخاستند». (4)

ماجرای مباحله

فمن حاجک فيه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکذبین (5)

«پس هر کس با تو به مجادله برخیزد پس از آنکه دانش (وحی) بتو رسید، بگو بیاید ما و شما با فرزندان و زنان خود با هم به مباحله برخیزیم (و به درگاه خداوند تضرع کنیم) تا دروغگویان را به لعنت خدا (و عذاب) گرفتار سازیم.» در سال نهم هجری عده‌ای از سران مسیحیان شهر نجران که در 910 کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع است، همراه اسقف اعظم شهر برای مذاکرات دینی و اعتقادی با رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شدند، آنان پس از بحث های دینی از قبول این حقیقت که عیسی بنه و فرستاده خداست سرباز زدند، زیرا آنان بر این پندار بودند که عیسی فرزند خداست. با این همه در برابر منطق استوار رسول خدا (ص) مهر خاموشی بر لب زدند.

فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله امر شد تا آنها را به مباحله دعوت کند. یعنی هر گروه به همراه عزیزترین افرادشان به صحرا روند و در زمان معین هر دو گروه بدرگاه خداوند نیایش کنند و بر آنکس که دروغگوست لعنت فرستند.

پیامبر (ص) از میان بستگان و یارانش عزیزترین و پاکترین آنها را با خود همراه کرد، آنان عبارت بودند از دخترش فاطمه، پسر عم و داماد و برادرش علی و فرزندان آنها حسن و حسین (که سلام و درود خداوند بر آنان باد) زیرا انسانهایی پاک‌تر و با ایمان‌تر از این چهار تن وجود نداشتند و گرنه پیامبر (ص) آنان را با خود همراه می‌ساخت. آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس سیاه و پشمین در بر داشت، حسین (ع) را در آغوش گرفت و دست حسن را به دست گرفت براه افتاد و پشت‌سرش علی و فاطمه (سلام الله علیهم) براه افتادند منظره معنوی و با شکوهی بود هنگامی که به جایگاه نزدیک شدند، چشم مسیحیان به حالت پر از صفا و معنویت پیابر (صلی الله علیه و آله) و همراهان آنحضرت افتاد، بزرگشان گفت: «چهره هایی را مشاهده می‌کنم که اگر بدرگاه الی رو کنند این بیابان به جهنمی سوزان تبدیل خواهد شد و دامنه عذاب به سرزمین نجران کشیده می‌شود، (6) اینان اگر از

خدا بخواهند کوهی را از جا برکنند خواهد کند با اینان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و بیم آنست که مسیحیان به تمامی نابود شوند». (7)

و بدین ترتیب به پرداخت جزیه راضی شدند. (8)

بنا به روایت تمامی علمای شیعه و سنی ماجرای مباحله با حضور آن چهار نور پاک انجام گرفته و بنابراین مصداق «نسائنا» در آیه شریفه فاطمه زهرا (علیها السلام) است.

سخن علامه شرف الدین مرحوم علامه سید عبد الحسین شرف الدین می نویسد: تمامی اهل قبله حتی خوارج متفقند که پیامبر (ص) برای مباحله از زنها کسی جز پاره تن خود زهرا (ع) را فرا نخواند، و از فرزندان جز دونه‌اش حسن حسین (ع) و از جانها جز برادرش را که موقعیتش به او مانند موقعیت هارون به موسی بود و در این معنی کسی دیگر از جهانیان با آنها شریک نیست. (9)

شگفتا چه نیکوست! هر کس به ترس و وحشت عجیبی که برای بزرگان و نمایندگان دینی و دنیایی نجران ایجاد شد بنگرد و دقت کند درمی یابد که محمد (ص) و آل او را شکوهی است خدایی که چشم ها را خیره می کند و آنان را عظمتی است روحانی که همه را در مقابل خود به خضوع وا می دارد. (10)

بعدها در محل انجام مباحله در مدینه مسجدی بنا گردید که تا کنون به عنوان یادگار نزول آیه شریفه و یادآور واقعه و فضیلت اهل بیت محل تردد و عبادت پیروان است. (11)

جلوه ایثار

و يطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا انما نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاء و لا شکورا (12)

«و بر دوستی او (خدا) به فقیر و طفل و یتیم و اسیر طعام می دهند و گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداشی و سپاسی هم نمی طلبیم».

زمخشری یکی از مفسرین بزرگ اهل سنت، در تفسیر الکشاف به نقل از ابن عباس چنین گوید (13): حسن و حسین (ع) بیمار شدند پیامبر (ص) به همراه گروهی از آنان عیادت نمود و به علی (ع) فرمود چه خوب است برای شفای فرزندان نذری کنی.

آنگاه علی و فاطمه (علیهما السلام) و فضه نذر کردند که اگر حسن و حسین (ع) بهبود یافتند سه روز روزه بگیرند هنگامی که آن دو بزرگوار سلامتی خود را باز یافتند در خانه چیزی برای افطار وجود نداشت، از این رو علی (علیه السلام) از شمعون یهودی سه صاع (14) جو وام گرفت. (و به روایتی حضرت زهرا (علیها السلام) در خانه پشم ریسید و سه صاع جو مزد گرفت)، (15)

فاطمه علیها السلام جو را دستاس نمود و با یک صاع آن برای هر یک از افراد خانواده قرص نان جوینی پخت و بر سر سفره افطار نهاد. هنگامی که آماده افطار شدند، ندای سائلی برخاست: سلام و درود خدا بر شما ای خاندان محمد (ص)! مسکینی از مساکین مسلمینم به من غذا دهید، خداوند شما را از غذاهای بهشتی نصیب فرماید، خاندان وحی نان افطار خود را ایثار کردند و فضه نیز از آنان متابعت کرد. آن شب را با آب افطار کردند و شب را بدون غذا بسر آوردند.

فردای آن شب نیز روزه گرفتند و چون شب فرا رسید نان افطارشان در سفره نهاده شد، یتیمی بر در خانه آمد و باز به همان ترتیب همگی غذای خود را به آن یتیم ایثار کردند. و آن شب نیز با آب افطار کرده و خود گرسنه ماندند. روز سوم را هم روزه گرفتند و هنگام افطار اسیری تقاضای کمک کرد و برای بار سوم آنچه در سفره بود به آن اسیر

ایثار شد.

صبح روز چهارم علی (علیه السلام) دست دو فرزند خود را گرفته و آنان را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برد پیامبر (ص) حسن و حسین (ع) را دید که از گرسنگی چون مرغکانی می لرزیدند، سپس از جا برخاست و به همراه آنان به خانه حضرت زهرا (ع) رفت، دید فاطمه (ع) در محراب به عبادت مشغول است در حالی که از شدت گرسنگی شکم وی به پشت چسبیده است و چشمانش در گودی نشسته است. منظره تآثر آوری بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) افسرده خاطر شد، در آن هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: این هدیه را بگیر خدای تعالی به داشتن چنین اهل بیتی به تو تهنیت گفته است پس سوره «هل اتی» را بر پیامبر (ص) خواند این روایت مورد قبول پیشوایان سنی و شیعه و به تعبیر دیگر عموم مسلمین می باشد. (16)

آیه تطهیر

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا (17)

«خداوند چنین می خواهد که رجس (هر پلیدی) را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را پاک و منزّه گرداند.» در شان نزول این آیه روایات متواتری از منابع اهل سنت در دست است که آیه تطهیر در خانه «ام سلمه» نازل شده است هنگام نزول آیه رسول خدا (ص)، فاطمه زهرا، علی، حسن و حسین که درود خدا بر همه آنان باد حضور داشتند پیامبر (ص) عباى خویش را بر آنان افکند و بدین ترتیب آنان از بقیه اهل خانه و دیگران جدا و مشخص شدند، آنگاه دستها را بسوی آسمان بلند کرد و فرمود:

خدایا اینان اهل بیت منند پس بر محمد و آل او درود فرست. خداوند عزوجل نیز این آیه را نازل فرمود:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (18)

ام سلمه همسر نیک نهاد پیامبر (ص) خواست تا به زیر عبا رود و به آن جمع و به آن جمع وارد شود. اما رسول خدا (ص) او را نهی کرد و فرمود نه تو داخل نشو اما تو خوب هستی. (19) بعد از نزول این آیه رسول خدا (ص) بمدت شش ماه هر روز هنگامی که برای نماز صبح از خانه خارج می شد بر در خانه فاطمه زهرا (ع) می ایستاد و می فرمود:

نماز! ای اهل بیت، بدرستی خداوند اراده فرموده که هر ناپاکی را از شما خاندان نبوت دور گرداند و شما را پاک و منزّه نماید. (20)

دعای توبه حضرت آدم (ع) فتلقى ادم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم (21)

«پس آدم از پروردگار خویش کلماتی را فرا گرفت و خداوند به وسیله آن کلمات توبه او را پذیرفت که خداوند توبه پذیر و مهربان است.» ابن مغازلی از علمای اهل سنت - متوفای 483 ه.ق - به اسناد خود از ابن عباس روایات می کند:

سئل النبی صلی الله علیه و آله عن کلمات التی تلقی ادم من ربه فتاب علیه قال سألته «بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین الا تبت علی» فتاب علیه. (22)

یعنی از پیامبر (ص) سوال شد آن کلمات که حضرت آدم از پروردگار خود فرا گرفت و به وسیله آن توبه او مورد قبول واقع شد چیست؟ حضرت فرمود: آدم (ع) از خداوند چنین خواست: «به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین توبه مرا قبول فرما» پس خداوند توبه او را پذیرفت.

خویشان پیامبر (ص) قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی (23)

«ای پیامبر (ص) بگو من برای انجام رسالتم پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر محبت و اظهار دوستی با خویشان نزدیکم.» این آیه شریفه به اجماع شیعه و سنی در شان اهل بیت عصمت و طهرت و از جمله حضرت زهرا (ع) نازل شده است (24) بعد از نزول این آیه از پیامبر (ص) سوال شد ای رسول خدا (ص) خویشان نزدیکت که مودت و دوستی آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟

حضرت در جواب فرمود: «علی، فاطمه و دو فرزند آنها حسن و حسین (علیهم السلام)» (25)

«محمد بن ادریس شافعی» - رحمه الله - پیشوای شافعیان در این باره چنین سروده است:

یا آل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله یکفیکم من عظیم الفخر انکم من لم یصل علیکم لا صلاة له

ای اهل بیت رسول خدا! دوستی شما واجب است که خداوند در قرآن نازل فرموده در عظمت افتخار شما همین بس باد که هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است (26)

فاطمه علیهم السلام در نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در وجود فاطمه زهرا (علیها السلام) فضائل بیشماری جمع است که برخی از فضائل او را خداوند در قرآن بر شمرده و پیرامون آن آیاتی را نازل فرموده است، آنگونه که در صفحات پیشین مطالعه نمودید تنها شیعیان فاطمه (علیها السلام) نیستند که به نزول این آیات در فضیلت مطالعه و شان وی اعتقاد دارند بلکه برادران اهل سنت و علمای آنان نیز در بسیاری موارد بر همین اعتقادند و اجماع شیعه و سنی در بسیاری موارد جای هیچگونه تردیدی را در صحت نزول آیات ذکر شده در شان فاطمه علیها السلام باقی نمی‌گذارد. برخی دیگر از فضائل فاطمه زهرا (علیها السلام) بر زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) جاری شده و از طریق سنی و شیعه روایات آن به ما رسیده است. البته رسول خدا (ص) بدان دلیل که فاطمه (ع) دختر اوست درباره‌اش چنین فضائلی را نمی‌گوید زیرا اگر چنین بود بایستی در مورد دختران دیگرش زینب، ام‌کلثوم، رقیه یا حتی پسرانش ابوالقاسم، عبد الله، و ابراهیم نظیر همین مطالب را فرموده باشد در صورتی که چنین نیست، تنها شایستگی و مقام والا و بی‌همتای فاطمه (ع) نزد خداوند است که پیامبر (ص) را گاه به بیان گوشه‌ای از مقام ارجمندش وادار می‌کند. و آنهم نه از سوی خویش که از سوی خدای خویش زیرا زبان پیامبر (ص) زبان وحی است و به تعبیر قرآن: «او هرگز از سر هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست» (27) از این رو آنچه را هم پیامبر (ص) درباره فاطمه (ع) فرموده است چون دیگر سخنانش از سرچشمه وحی تراوش نموده است. اینکه به عنوان تبرک به ذکر چند حدیث معتبر که مورد اتفاق شیعه و سنی است از منابع اهل سنت بسنده می‌کنیم.

1- احمد بن حنبل متوفای 241 ه. ق - پیشوای مذهب حنبلی به اسناد خود چنین روایت می‌کند: نظر النبی صلی الله علیه و آله) و سلم الی علی و الحسن و الحسین و فاطمة فقال:

«انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم» .

یعنی پیامبر (ص) به علی، حسن، حسین و فاطمه (که درود خدا بر آنان باد) نگریست و فرمود «من با هر کسی که با شما در جنگ باشد در جنگم، و هر کسی که با شما از در صلح و آشتی درآید، من نیز با او در صلح و صفا

خواهم بود» (28)

2- احمد بن حنبل ترمذی و عده‌ای دیگر از علمای اهل سنت از «حذیفه نقل کرده اند که: پیامبر به او فرمود: ندیدی آنکسی را که کمی قبل پیشم آمد؟ او فرشته‌ای بود که تا کنون بر زمین فرود نیامده بود. از خداوند خواست تا بر من سلام کند و بشارتم دهد.

که (ان فاطمة سيدة نساء اهل الجنة و ان الحسن و الحسين سيدا شباب اهل الجنة) فاطمه(س) سرور زنان بهشت است و حسن و حسین سرور جوانان بهشتند. (29)

3- ذهبی روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: «اول شخص یدخل الجنة فاطمة بنت محمد. (ص)» «اول کسی که وارد بهشت می‌شود دختر محمد (ص) است». (30)

4- محب الدین طبری به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که فرمود:

«اربع نسوة سيدات عالمهن، مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم و خديجة بن خويلد و فاطمة بنت محمد (صلى الله عليه و آله) و افضلهن عالما فاطمة (سلام الله عليها)» «چهار زن سرور بانوان جهانند مريم دختر عمران (مادر عیسی) و آسیه دختر مزاحم (همسر نیکوکار فرعون) و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص) با فضیلت‌ترین بانوان جهان است» (31)

5- بخاری محدث معروف اهل سنت متوفای - 256 ه.ق به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که فرمود:

«فاطمة بضعة مني فمن اغضبها اغضبي» .

«فاطمه پاره تن من است هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است» (32)

6- احمد بن حنبل به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که فرمود:

«انما فاطمة بضعة مني يوذني ما اذاها و ينصبنني ما انصبها» .

«فاطمه پاره تن من است آنچه او را بیازارد مرا آزرده است و آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند». (33)

7- حاکم نیشابوری و جمعی دیگر از علمای اهل سنت با اسناد خو روایت بسیار مهم و عجیبی را از رسول (صلى الله عليه و آله) نقل می‌کنند که فرمود:

«يا فاطمة ان الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك»

«ای فاطمه بدرستی که خداوند با غضب تو غضب می‌کند و با رضای تو راضی می‌گردد». (34)

از این احادیث چنین استفاده می‌شود که آزردن فاطمه (ع) آزردن پیامبر (ص) است خشمناک کردن وی خشمگین کردن پیامبر (ص) است و به زحمت انداختن او به زحمت انداختن رسول خداست چه او پاره تن پیامبر (ص) است و آزردن رسول خدا (ص) نیز بسان آزردن خداست و از این رو با غضب فاطمه خدا غضب ناک می‌شود و با رضایت او راضی می‌گردد. و پناه بر خدا از اینکه فاطمه (ع) و پیامبر (ص) آزرده شوند. زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «آنان که خدا و رسول را آزار و اذیت می‌کنند خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (از رحمت خود دور نمود)، و بر آنان عذابی با ذلت و خواری فراهم ساخته است». (35)

8- فرات بن ابراهیم در تفسیرش از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که حضرت فرمود:

«تدخل فاطمة ابنتي الجنة و ذريتها و شيعتها، و ذاك قوله تعالى: (لا يحزنهم الفزع الاكبر) (36) (و هم فی ما اشتتهت انفسهم خالدون) (37) هي و الله فاطمة و ذريتها و شيعتها»

«دخترم فاطمه (ع) با فرزندان و شیعیانش وارد بهشت می‌شوند، و در این مورد است که خدای تعالی می‌فرماید:

هرگز هول و هراس روز قیامت آنها را غمگین نمی‌سازد. و بدانچه مشتاق و مایل آیند در بهشت تا ابد از نعمتها بهره‌مندند. به خدا سوگند او فاطمه (ع) و ذریه و شعیانش هستند». (38)

آری ذریه فاطمه زهرا یعنی حسن و حسین و ائمه اطهار (39) (که درود خدا بر آنان باد) و شیعیان پاکی که رهرو صادق راه فاطمه (ع) و فرزندان اویند در چنین مقامی بلند قرار دارند، نه هر کسی که از نسل فاطمه (ع) باشد ولی منش و کردارش مخالفت با فاطمه (ع) است، و نه هر کس که خود را شیعه پندارد و در عمل رهرو راه این خاندان نباشد که این معنی را روایات دیگر تصریح کرده است. (40)

9- حاکم نیشابوری و ابن مغازلی و عده‌ای دیگر از علمای اهل سنت به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که فرمود:

«اذا كان يوم القيمة نادى مناد من تحت الحجب يا اهل الجمع غصوا ابصاركم و نکسو روسکم فهذه فاطمة بنت محمد (صلى الله عليه و آله) تريد ان تمر على الصراط». .

«روز قیامت منادی از پس پرده ندا می‌دهد که ای اهل محشر چشمانتان را ببندید و سرها را به زیر افکنید که فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلى الله عليه و آله) می‌خواهد از صراط بگذرد». (41)

10- خطیب بغدادی از علمای اهل سنت - متوفای 463 ه.ق به اسناد خود از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود؟ :

«ليله عرج بي الى السماء رایت على باب الجنة مكتوبا لا اله الا الله محمد رسول الله ، على حبيب الله، فاطمة الحسن و الحسين صفوة الله، على باغضیهم لعنة الله». .

«در شب معراجم به سوی آسمان، دیدم که بر در بهشت این کلمات نوشته شده بود: خدایی نیست جز خدای بی همتا، محمد فرستاده خداست، علی محبوب خداست، فاطمه، حسن و حسین برگزیدگان خدایند از رحمت خدا دور باد کسانی که کینه و دشمنی با آنان دارند». (42)

اسامی حضرت فاطمه (ع)

نام نیکو بر فرزند گذاشتن، نشانی از ادب و فرهنگ والدین است، این اولین نیکی پدر و مادر به فرزند می‌باشد. در عوض اسامی مستهجن و قبیح عاملی مهم در شکست روی و خلاء شخصیت فرزند است زیرا همواره انسان را به نامش می‌خوانند و اگر نامش سبک و مستهجن باشد صاحب نام راسبک می‌شمارند پیامبر گرامی (ص) فرمود: «نامهایتان را نیکو برگزینید زیرا روز قیامت با همین نامها خوانده می‌شوید» (43) روش رسول خدا (ص) نیز بر این بود که اسامی قبیح و بدور از فرهنگ اسلامی مردان و شهرها را تغییر می‌داد. (44)

او خود بهترین نامها را داشت، فرزندان و نوه هایش بهترین نامها را داشتند. دخترش فاطمه (ع) نیز دارای (اسماء حسنی) اسامی زیبایی است که هر یک از اسامی دارای معانی و اشاراتی است. باشد که ما با دریافت مفاهیم این نامها از اهل بیت پیامبر (که درود خدا بر آنان باد) پیروی کنیم و این نامها را زنده نگهداریم.

- فاطمه: فاطمه از مصدر فطم است. و فطم در لغت عرب به معنای قطع کردن، بریدن و جدا شدن آمده است. و فاطمه یعنی جدا شده از هر بدی پیامبر (صلى الله عليه و اله) فرمود «او رافاطمه نامیدند زیرا خداوند وی و فرزندان و دوستانش را از آتش بریده و بازداشته است» (45) نام فاطمه را خداوند از طریق وحی به پیامبر (صلى الله عليه و آله) القا نمود. (46)

نامگذاری دختران به فاطمه مستحب است. (47)

و امام صادق علیه السلام به مردی که دخترش را فاطمه نام نهاده بود فرمود: «اکنون که نامش را فاطمه نهاده‌ای دشنامش مده به او لعنت مکن و او را کتک زن» (48)

2- صدیقه: یعنی بسیار راستگو و صدیق

3- مبارکه: خداوند انواع برکات را به فاطمه زهرا (علیها السلام) عطا فرمود و نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در وجود او قرار داد.

4- طاهره: مصداق آیه شریفه تطهیر است. و بدین خاطر طاهره نامیده شده که از هر نوع آلودگی پاک است. (49)

5- زکیه: پاک و مطهر است.

6- راضیه: زهرا (علیها السلام) به آنچه خداوند برایش مقرر داشت راضی بود.

7- مرضیه: او مورد خشنودی و رضای پروردگار بود.

8- زهرا: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فاطمه (ع) را از این رو «زهرا» نامیده اند که هنگامی که در محراب عبادت می ایستاد نورش برای فرشتگان آسمان می درخشید آنگونه که نور ستارگان بر اهل زمین می درخشد». (50)

9- بتول: به روایت ابن اثیر از علمای اهل سنت، رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه را بتول نامیده اند زیرا به واسطه فضل و دانش، ایمان و شرافتش از سایر زنان زمانه جدا گشته است». (51) و به روایتی دیگر که علمای اهل سنت نظیر ابن اثیر، قندوزی و دیگران نقل کرده اند، رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه بتول نامیده شده زیرا که وی را از عادات ماهانه دور داشته اند» (52)

کنیه های حضرت

کنیه هایی که برای حضرت زهرا (علیها السلام) ذکر کرده اند عبارتند از:

1- ام الحسن: مادر حسن (علیه السلام)

2- ام الحسین: مادر حسین (علیه السلام)

3- ام المحسن: مادر محسن (علیه السلام)

4- ام الائمہ: مادر ائمه (علیهم السلام)، زیرا ائمه طاهرين همه از نسل فاطمه زهرا (علیها السلام) هستند.

5- ام ابیها: مادر پدرش! این کنیه را علمای اهل سنت نظیر ابن عبد البر و ابن اثیر نقل کرده اند. (53) بدین خاطر به فاطمه (علیها السلام) ام ابیها گفته اند که آن حضرت پس از رحلت مادرش برای پدر خویش چون مادری مهربان و دلسوز بود. (54)

هدف ما از بیان فضائل و اسماء نیکوی فاطمه (علیها السلام) بیان مطالب شگفت آور نیست، بلکه آگاهی بیشتر با بلندای مقام زهرا (علیها السلام) و درس گرفتن از مکتب پربر اوست. تا هر مسلمان و بخصوص زن مسلمان دریابد که چه الگوی ارزنده ای را در تمامی زمینه های زندگی داراست. چرا که فاطمه (علیها السلام) از جنبه انسانی اش بشری چون دیگران است. (55) اما از جنبه معنوی بدانجا رسیده که شناخت تمامی ابعاد شخصیتش بس دشوار است. مقامی را که آن بزرگوار در اثر بندگی خدا و شناخت و معرفت او بدست آورد مقامی بس ارجمند و فضائلش بی شمار و وجودش بی همتاست.

و تو ای خواهر و برادر مسلمان! ای دوستدار فاطمه (علیها السلام)! اگر پیرو او باشی و به راه او روی هر چند

بسان خود فاطمه (علیها السلام) نشوی اما شیعه و پیرو طریقت او گردی و به قله کمال انسانیت و معرفت‌برسی که او بهترین راهنمای راه است. پس برخیز و براه شو که گر بروی بشوی. و این است فضل خداوند که به هر کس بخواهد عطا کند. **ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم. (56) صدق الله العلی العظیم.**

محمد قاسم نصیرپور

-
1. سیره ابن اسحاق ص. 229
 2. مرآة الحرمین ج 1 ص. 325
 3. مجمع البیان ج 5 ص. 549
 4. تفسیر کبیر فخر رازی ج 32 ص. 124
 5. (آل عمران آیه 61).
 6. احکام القرآن ج 2 ص 14 - احقاق الحق ج 9 ص. 74
 7. سیره الحلبيه ج 3 ص 212 - تفسیر کبیر فخر رازی ج 8 ص. 85
 8. فتوح البلدان ص. 76
 9. رجوع کنید به صحیح مسلم ج 7 ص 120 - مسند احمد حنبل ج 1 ص 185 - سنن ترمذی ج 4 ص 293 - مستدرک حاکم ج 3 ص 150 - اسباب النزول واحدی ص. 68
 10. کلمه الغراء فی تفضیل فاطمة الزهراء ص. 7/8
 11. نگاه کنید به تصویر شماره 10.
 12. سوره دهر آیه 8 و 9.
 13. تفسیر الکشاف ج 4 ص. 197
 14. هر صاع چهار مد و تقریباً یک من تبریز یا 3 کیلوگرم است.
 15. تفسیر البرهان ج 4 ص. 412
 16. رجوع کنید به منابع تفسیر و تاریخ اهل سنت نظیر - اسباب النزول واحدی ص 296 - تفسیر قرطبی ج 19 - الدر المنثور ج 6 ص 299 - البحر المحیط ج 8 ص 395 - اسد الغابه ج 5 ص 530 - الاصابه ج 4 ص 376 - مناقب ابن مغازلی ص 276 - تذکره ابن جوزی ص 177 - همچنین در منابع شیعه به تفسیر مجمع البیان ج 5 ص 404 - تفسیر البرهان ج 4 ص 412 - المیزان ج 20 ص. 132
 17. احزاب آیه 33
 18. القول الفصل ابی طاهر الحداد ص. 185
 19. مسند امام احمد حنبل ج 2 ص 323 و ج 6 ص 292 - صحیح ترمذی ص 200 - خصائص نسابی ص. 16
 20. مسند امام احمد حنبل ج 3 ص 259 انساب الاشراف ج 2 ص 104 صحیح ترمذی ج 2 ص 29. در مورد نزول آیه شان اهل بیت رجوع شود به منابع معتبر تفسیر و حدیث اهل سنت از جمله اسباب النزول واحدی ص 239 - مستدرک الصحیحین ج 3 ص 147 - صحیح ترمذی ج 2 ص 29 - تفسیر طبری ج 22 ص 7 - سنن بیهقی ج 2 ص. 147
 21. آیه 37 سوره بقره.

22. مناقب ابن مغازلی ص 63- الدر المنثور ج 6 عن ابن نجار - ینابیع الموده ص 97.
23. شوری آیه 23.
24. گفتار علامه امینی فاطمة الزهراء ص 25.
25. تفسیر الدر المنثور ج 6 ص 7- ذخائر العقبی ص 25- صواعق المحرقة ص 101- احیاء المیت ص 8- تفسیر فرات ابی ابرهیم ص 150 نور الابصار شبلنجی ص 101 مجمع الزوائد ج 7 ص 103 و ج 9 ص 168- مناقب ابن مغازلی ص 309.
26. دیوان امام شافعی ص 72- نور الابصار ص 104. تمامی مذاهب فقه اسلامی متفقند که هر کس در تشهد نماز «اللهم صلی علی محمد و آل محمد» رانگوید یا آثراناقص بگوید و آل محمد را ذکر نند نمازش باطل است منظور امام شافعی نیز همین است درباره روایاتی که در اینزمینه اهل سنت روایتکرداندرجوع شود به سنن دار قطنی ص 136- ذخائر العقبی ص 19- الصواعق المحرقة ص 88- سنن بیهقی ج 2 ص 379.
27. آیه 3 و 4 سوره نجم و ما یَنطِقُ عن الهوی ان هو الاوحی یوحی.
28. نظیر همین روایت را علمای دیگر اهل سنت روایت کرده‌اند رجوع کنید به صحیح ترمذی ج 2 ص 319- مستدرک الصحیحین ج 3 ص 149- کنز العمال ج 6 ص 216- اسد الغبه ج 5 ص 523 ذخائر العقبی ص 25- تاریخ بغداد ج 7 ص 136- مسند الامام احمد بن حنبل ج 4 ص 442.
29. مسند امام احمد بن حنبل ج 5 ص 391- صحیح ترمذی ج 2 ص 306- مستدرک حاکم ج 3 ص 151- کنز العمال ج 6 ص 217 فضائل الصحابه نسائی ص 76.
30. میزان الاعتدال ذهبی ج 2 ص 131- خصائص الکبری ج 2 ص 225- کنز العمال ج 6 ص 219.
31. ذخائر العقبی ص 44.
32. صحیح بخاری ج 5 ص 36- فیض القدير ج 4 ص 421- کنز العمال ج 6 ص 220- فضائل الصحابه ص 78.
33. مسند الامام احمد بن حنبل ج 4 ص 5- مستدرک الصحیحین ج 3 ص 159- صحیح ترمذی ج 2 ص 319.
34. مستدرک الصحیحین ج 3 ص 153- مناقب ابن مغازلی ص 351- میزان الاعتدال ج 2 ص 72- ذخائر العقبی ص 39- اسد الغابه ج 5 ص 535.
35. (احزاب آیه 57) .
- ان الذین يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا والاخرة و اعد لهم عذابا مهینا.
36. انبیاء آیه 103 لا یحزنهم الفزع الاکبر.
37. انبیاء آیه 102. و هم فی ما اشتتت انفسهم خلدون.
38. تفسیر فرات ابن ابراهیم ص 168.
39. طبق روایت هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 202.
40. همان مآخذ - عیون اخبار الرضا ج 2 ص 232- تاریخ بغداد ج 3 ص 5.
41. مستدرک الصحیحین ج 3 ص 153- میزان الاعتدال ج 2 ص 82- اسد الغابه ج 5 ص 523 مناقب ابن مغازلی ص 355.
42. تاریخ بغداد ج 1 ص 259.
43. قال رسول الله (ص) «استحسنوا اسماءکم فانکم تدعون بها يوم القيامة...» فروع کافی ج 2 ص 87- وسائل الشیعه ج 15 ص 125.

44. ان رسول الله صلى الله عليه وآله كان يغير الاسماء القبيحة في الرجال و البلدان. قرب الاسناد ص 45 وسائل ج 15 ص 124.
45. قال رسول الله..و. «و انما سماها فاطمه لان الله فطمها و ذريتها و محبيها عن النار» . نگاه كنيد به ینابیع الموده ص 397- كنز العمال ج 6 ص 219- ذخائر العقبی ص 26 به همین مضمون - تاریخ بغداد ج 12 ص 331.
46. علل الشرائع باب 144- کافی باب الحجه.
47. وافی باب الاسماء و الكنى.
48. وافی باب تادیب الولد.
49. مصباح الانوار.
50. بحار الانوار ج 43 ص 13.
51. نهایی ابن الاثیر ج 1 ص 71- لسان العرب ج 11 ص 43.
52. قال رسول الله «و انما سمیت فاطمة البتول لانها تبتلت من الحيض و النفاس» .
- نگاه كنيد به نهایی ابن الاثیر ج 1 ص 71- ینابیع الموده ص 260 موده القربى ص 103 و 78.
53. استیعاب ج 2 ص 752- اسد الغابه ج 5 ص 52- مقاتل الطالبین ص 29.
54. بحار الانوار ج 43 ص 16.
55. همانگونه که خداوند در مورد پیامبرش (ص) می‌فرماید، بگو من هم بشری همانند شما می‌جز آنکه بر من وحی نازل می‌شود. (کشف آیه 110).
56. سوره مائده آیه 54. ۷۷۷